



پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان

علمی - پژوهشی

سال یازدهم، شماره‌ی ۲۲، نیمه‌ی دوم ۱۳۹۵

مطالعه تاثیر جهانی شدن بر ظرفیت و تلاش مالیاتی در کشورهای منتخب با رویکرد مدل رگرسیون داده های تابلویی آستانه ای (PSTR)

دکتر احمد جعفری صمیمی*

دکتر سعید کریمی پتانلار**

دکتر امیر منصور طهرانچیان***

محمدزمان محمدی شیرکلایی****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۴

چکیده:

هدف اصلی این مقاله بررسی تاثیر شاخص جهانی شدن بر ظرفیت و تلاش مالیاتی در کشورهای منتخب در حال توسعه می باشد. برای این منظور از شاخص جدید جهانی شدن KOF و داده‌های آماری دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۱۴ مبتنی بر روش رگرسیون داده های تابلویی آستانه ای استفاده شده است. با توجه به جایگاه درآمدهای مالیاتی در اجرای طرح‌های عمرانی و توسعه اقتصادی کشورها، ضروری است توان واقعی هر جامعه برای پرداخت مالیات را با توجه به اطلاعات موجود برآورد گردد. بر اساس نتایج بدست آمده مقدار حدآستانه ای معادل ۴,۴۵٪ می باشد. نتایج نشان داد چنانچه رشد شاخص جهانی شدن بیشتر از ۴,۴۵ درصد باشد تاثیر متغیرهای کیفیت نهادی، ثبات سیاسی، گسترش شهرنشینی، نسبت جمعیت شهری و درآمد سرانه بر ظرفیت و تلاش مالیاتی مثبت بوده است. این در حالی است که میزان اثرگذاری این متغیرها چنانچه نرخ رشد شاخص جهانی شدن کمتر از ۴,۴۵ درصد باشد، کمتر می باشد. در نهایت لازم به ذکر است که تاثیر شاخص جهانی شدن بر ظرفیت و تلاش مالیاتی معادل ۰,۰۲۶ می باشد. بر این اساس رشد شاخص جهانی شدن منجر به افزایش ظرفیت و تلاش مالیاتی معادل ۰,۰۲۶ درصد می شود.

کلیدواژه: ظرفیت مالیاتی، کیفیت نهادی، ثبات سیاسی، جهانی شدن، داده های تابلویی آستانه ای.

* استاد گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه مازندران ایران (Email: jafarisa@umz.ac.ir)

** دانشیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه مازندران ایران (Email: s.karimi@umz.ac.ir)

*** دانشیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه مازندران ایران (Email: m.tehranchian@umz.ac.ir)

**** نویسنده مسئول-دانشجوی دکتری اقتصاد دانشکده اقتصاد بخش عمومی دانشگاه مازندران

(Email: mz_msh54@yahoo.com)

طبقه بندی JEL: O33, K21, M34, L55

۱. مقدمه

ظرفیت مالیاتی حداکثر مالیاتی است که با توجه به توزیع درآمد، ترکیب آن و قوانین موجود قابل وصول می‌باشد. ظرفیت مالیاتی در واقع اطلاعات لازم در مورد ظرفیت اقتصاد یک کشور در تجهیز منابع مالیاتی برای پاسخگویی به مشکلات مالی و اجرای سیاست‌های اقتصادی را فراهم آورده و آشکار می‌نماید که تا چه حد کوشش در تجهیز منابع مالیاتی بکار برده شده و همچنین تا چه میزان توان افزایش این منابع وجود دارد. نظام مالیاتی کشورها از سه رکن تولید ملی و نحوه توزیع آن، قوانین و مقررات مالیاتی و سازمان وصول مالیات تشکیل شده است که با توجه به این سه رکن، تعاریفی برای ظرفیت مالیاتی وجود دارد. شناسایی ظرفیت‌های موجود مالیاتی به عنوان مهم‌ترین منبع تامین مالی هزینه‌های دولت و مقایسه آن با مالیاتی که عملاً وصول می‌شود، دولت را در برنامه‌ریزی برای بودجه‌بندی بر مبنای اتکا بیشتر به مالیات‌ها یاری می‌دهد. از سوی دیگر ایجاد تجارت آزاد میان کشورها از طریق کاهش و حذف محدودیت‌های کمی و کیفی از اهداف اصلی موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت است. همراه با موج جهانی شدن، پذیرش تجارت آزاد گسترش یافته است به گونه‌ای که جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه به عنوان محور استراتژی توسعه اقتصادی شناخته می‌شود. قابل ذکر اینکه، جهانی شدن فرآیندی نیست که در تمام کشورها به طور یکسان تجربه شود؛ بلکه کشورهایی می‌توانند از این فرآیند بهره بیشتری برده و از فرصت‌های خلق شده توسط آن حداکثر بهره‌برداری را ببرند که شناختی درست نسبت به همه جوانب آن پیدا کرده و خود را برای رویارویی هر چه بهتر با آن آماده سازند و مشخص نکردن سیاست اقتصادی مناسب و تعیین نکردن نوع، حدود و چگونگی رویارویی با این واقعیت و برخورد انفعالی در قبال آن، ضررهای جبران ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. حرکت به سمت تجارت آزاد ممکن است در کوتاه مدت هزینه‌هایی برای کشورهای در حال توسعه به همراه داشته باشد؛ زیرا در شرایطی که بازارهای پولی به خوبی سازمان دهی

نشده‌اند، بسیاری از کشورهای در حال توسعه به منظور ایجاد ثبات در اقتصاد و تجهیز منابع داخلی به درآمدهای مالیاتی وابسته اند و کاهش یا حذف موانع تجاری بر درآمد حاصل از مالیات بر تجارت تأثیرگذار است و موجب بی ثباتی مالی در این کشورها می شود (مهرابی بشرآبادی و توحیدی، ۱۳۹۲).

هدف از انجام مطالعه حاضر این است که با برآورد الگوی رگرسیونی غیرخطی آستانه ای، با استفاده از داده های تابلویی در کشورهای منتخب در حال توسعه و با توجه به حداکثر داده های موجود، تأثیر جهانی شدن بر ظرفیت و تلاش مالیاتی را مورد بررسی قرار داده و با شناسایی عوامل غیر اقتصادی تأثیرگذار بر ظرفیت مالیاتی، زمینه افزایش آن با اتخاذ برنامه ریزی صحیح و سیاست های راهبردی مناسب فراهم گردد. استفاده از روش داده های تابلویی غیرخطی آستانه ای و نیز در نظر گرفتن شاخص KOF برای جهانی شدن وجه تمایز این مطالعه با دیگر مطالعات است.

فرضیه مورد بررسی در این مطالعه به این صورت می باشد که تاثیر جهانی شدن اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر ظرفیت و تلاش مالیاتی کشورها مثبت است و رابطه میان جهانی شدن و ظرفیت مالیاتی کشورها غیرخطی و آستانه ای است.

ساختار مقاله حاضر از پنج بخش تشکیل شده است. در بخش دوم ادبیات موضوع به لحاظ مبانی نظری و شواهد تجربی مرور می شود. در بخش سوم روش تحقیق به تفصیل ارائه خواهد شد. برای این منظور در این قسمت الگوی تحقیق و روش برآورد آن بیان خواهد شد. بخش چهارم مقاله حاضر به برآورد مدل تجربی و بررسی نتایج تحقیق اختصاص خواهد داشت و در نهایت در بخش پنجم نتیجه گیری و پیشنهادات ارائه خواهد شد.

۲. مروری بر ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری

در مورد ظرفیت مالیاتی تعاریف متعددی وجود دارد اما به طور کلی می توان گفت که ظرفیت مالیاتی در واقع حجم مالیاتی است که جامعه توان پرداخت آن را دارد و این توان از یک طرف به درآمدها، مصارف و سرمایه گذاری متکی است و از طرف دیگر بر اهداف بلندمدت و برنامه ریزی های کوتاه مدت و میان مدت که در متونی چون قانون اساسی، قوانین عادی و مقررات و رویه های اجرایی قابل بررسی است، متکی می باشد (نادران، ۱۳۶۷).

ظرفیت مالیاتی، اطلاعات لازم درباره ظرفیت کشور در تجهیز منابع مالیاتی برای رفع مشکلات مالی و اجرای سیاست های اقتصادی را فراهم می آورد و آشکار می نماید که یک کشور، اولاً چه میزان کوشش در تجهیز منابع مالیاتی بکار برده است و ثانیاً تا چه میزان توان افزایش این منابع را دارد.

ظرفیت مالیاتی الزاماً با توجه به حد بهینه^۱ مالیاتی تعیین شده و به همین دلیل است که به اختصار از حد بهینه مالیاتی و ظرفیت مالیاتی به عنوان اصطلاحی معادل یکدیگر استفاده می شود. لذا زمانی یک نظام مالیاتی، کارا توصیف می شود که جامعه به حد ظرفیت مالیاتی خود رسیده باشد. بنابراین زمانی می توان کارایی نظام مالیاتی را دقیق بررسی کرد و درباره آن نظر داد که ظرفیت مالیاتی جامعه دقیق برآورد شود و سپس ظرفیت مالیاتی تخمین زده شده، با مالیات های وصولی نیز مقایسه شود (احسانفر، ۱۳۸۰).

عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی

عوامل مؤثر بر توان افراد و جامعه در پرداخت مالیات به دو دسته عوامل ساختاری و ارادی تقسیم

می شوند. مهم ترین عوامل ساختاری تأثیرگذار بر توانایی افراد در پرداخت مالیات را می توان سطح درآمد سرانه، بافت اقتصادی جوامع و اهمیت انواع فعالیت های اقتصادی و

^۱ . حد بهینه مالیاتی به حدی اطلاق می شود که در جهت حفظ تعادل سیستم ضروریست، تجاوز و قصور در آن سبب مشکلات اقتصادی در سیستم خواهد شد.

سیاست های کلان اقتصادی نام برد. سطح بالاتری از درآمد سرانه، عموماً به سطح بالاتری از پس انداز، نرخ پایین بیسوادی، سطح معقولی از توسعه اقتصادی و ... می انجامد، که وضعیت و جمع آوری مالیات ها را آسان می کند. بنابراین درآمد سرانه به دلیل اثراتش بر توانایی پرداخت مالیات ها به عنوان عامل بسیار مهم و تعیین کننده ظرفیت مالیاتی تلقی می شود (کمیجانی و فهیم یحیایی، ۱۳۷۳).

ترکیب درآمد و میزان اهمیت و وسعت فعالیت های اقتصادی از جمله عوامل تأثیرگذار بر توانایی افراد در پرداخت مالیات است؛ برای مثال اهمیت بخش کشاورزی و میزان تجاری شدن این بخش در مقابل درجه معیشتی بودن آن بطور منفی درآمدهای مالیاتی را تحت تأثیر قرار می دهد. در مقابل تولیدات صنعت و معدن و فعالیت های خدماتی، ایجاد کننده پایه های وسیع مالیاتی هستند.

مهم ترین عوامل ساختاری تأثیرگذار بر توانایی دولت در جمع آوری مالیات نیز وضع مناسب مالیاتی، سهولت دستیابی به پایه های مالیاتی، تعداد مالیات ها در نظام مالیاتی، سطح نرخ های مالیات و هزینه های اجرایی وصول مالیات هستند. توانایی دولت ها در جمع آوری مالیات علاوه بر عوامل ساختاری به عوامل ارادی بسیاری نیز بستگی دارد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، سطح پایین درآمدهای مالیاتی ناشی از عدم اجرای کامل و دقیق قوانین مالیاتی است که این خود اغلب به دلیل نامناسب بودن سیستم اداری و روشهای اجرایی تشخیص و وصول مالیات است.

عواملی که بر ظرفیت مالیاتی یک کشور تاثیر گذارند ثابت نیستند، بلکه به مرور زمان و با تغییراتی که در اقتصاد رخ می دهد این عوامل نیز تغییر می کنند. بر این اساس، عوامل غیراقتصادی موثر بر ظرفیت اقتصادی را می توان به صورت زیر بیان کرد: نوع نگرش جامعه نسبت به پرداخت مالیات، توسعه سیاسی و فرهنگی جامعه، ثبات سیاسی، شهرنشینی، پراکندگی جمعیت، ساختار و ترکیب جمعیت، فساد اداری، و بوروکراسی اداری از جمله عوامل تأثیرگذار بر ظرفیت بالقوه اقتصادی مالیات می باشند، که در

برخی از مطالعات انجام شده در سطح بین المللی این متغیرها در هنگام محاسبه ظرفیت مالیاتی، مورد توجه قرار گرفته اند. جهانی شدن نیز یکی از این عوامل می باشد. تعاریف مختلفی از جهانی شدن وجود دارد که می توان به آنها اشاره نمود. برخی این پدیده را به صورت افزایش ادغام بین المللی بازارهای ملی شامل بازار کالا، خدمات، سرمایه و نیروی کار تعریف می کنند. می توان جهانی شدن را فرایندی در نظر گرفت که در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هر روز کمرنگ تر شده، تحرک روزافزون منابع، فناوری، کالا و خدمات، سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها به آسانی صورت می گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در کشورها و در نهایت به افزایش مالیات می انجامد.

در بسیاری از مطالعات گذشته از درجه باز بودن تجاری، به عنوان شاخص جهانی شدن استفاده شده است. در این مطالعه از شاخص جدید جهانی شدن KOF که توسط مؤسسه اقتصادی KOF ارائه می شود و یک شاخص جامع و ترکیبی است، استفاده خواهد شد.

واژه KOF در حقیقت عنوان یک مؤسسه اقتصادی در سوئیس است که در قسمت فدرال تکنولوژی دانشگاه^۱ ETH در گروههای مدیریت، فناوری و اقتصاد فعالیت میکند. این مؤسسه اقتصادی با پیش بینی و مطالعات خود در زمینه کسب و کار توانسته است شهرت بسزایی کسب نماید. شاخص جهانی شدن KOF نیز سالانه از سوی این مؤسسه منتشر می شود و به همراه آن زیرشاخص های جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن اجتماعی و جهانی شدن سیاسی نیز ارائه می - شود. از دیدگاه این مؤسسه اقتصادی، جهانی شدن دارای سه جنبه بسیار مهم است: جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن سیاسی و جهانی شدن اجتماعی. همچنین از نظر این مؤسسه، جهانی شدن به روند ایجاد ارتباط میان عوامل در فواصل دور، از طریق جریانهای مختلف از جمله: مردم، اطلاعات و افکار، کالا و سرمایه و... اشاره دارد. شاخص جهانی شدن اجتماعی با وزن ۳۸

1. Eldgenossische Technische Hochschule Zurich(ETH)

درصد بالاترین وزن را به خود اختصاص داده است و شاخص شاخص جهانی شدن اقتصادی با وزن ۳۶ درصد در مکان بعدی قرار دارد. این شاخص دو حوزه جریانات مانند جریانات سرمایه و تجارت و حوزه محدودیت ها مانند انواع تعرفه ها را شامل می شود، بنابراین جامع تر از شاخص سنتی است.

رابطه جهانی شدن و ظرفیت مالیاتی

دو دیدگاه در رابطه با تأثیر پدیده جهانی شدن بر درآمد مالیاتی وجود دارد. دیدگاه اول بیان کننده آن است که به دلیل وجود محدودیت های ساختاری در اقتصاد جهانی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه نمی توانند کاهش درآمدهای حاصل از مالیات بر تجارت را با سایر درآمدهای مالیاتی خود جایگزین نمایند (خاتری و راثو^۱، ۲۰۰۲). اما، دیدگاه دوم بیان می کند که جهانی شدن با افزایش رشد اقتصادی، گسترش پایه های مالیاتی و استقرار بهتر بازارهای خصوصی، موجب افزایش درآمد مالیاتی در کشورهای در حال توسعه می شود (اگبیگب و همکاران^۲، ۲۰۰۶). وجود تفاوت دیدگاه ها به این دلیل است که سیاست های کلان اقتصادی با گسترش جهانی شدن به شیوه های مختلفی بر درآمدهای مالیاتی تأثیر می گذارند و عوامل اقتصادی، ساختاری و سیاسی در تعیین چگونگی تأثیر جهانی شدن بر درآمد مالیاتی نقش قابل توجهی را ایفا می کنند. بنابراین، اغلب در پیش بینی درآمد مالیاتی دچار مشکل می شوند و این مسئله به دلیل عدم قطعیت های مرتبط با تأثیرات جهانی شدن بر درآمد مالیاتی است. نکته مهم این است که در راستای جهانی شدن، کشورها نیازمند اصلاحات مهمی هستند و از جمله این اصلاحات، تغییر از روش آسان برای کسب درآمد دولت (تعرفه و حق الضرب) به شیوه سخت برای جمع آوری درآمد (مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر مصرف و درآمد) می باشد.

1. Khattry & Rao
2. Agbeyegbe and et al

۲-۲. پیشینه پژوهش

۲-۲-۱. مطالعات انجام شده در داخل

دادگر و نظری (۱۳۸۷) تأثیر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت را در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۵) بررسی کرده اند. این پژوهش درجه بازبودن تجاری را بعنوان شاخص جهانی شدن در نظر گرفته و در این ارتباط از نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی استفاده کرده اند. همچنین، متغیرهای دیگری مانند شاخص صنعتی شدن، رشد اقتصادی، تورم و اندازه دولت در مدل برآوردی وارد شده اند که به کمک روش خودرگرسیون برداری و تحلیل تکانه ها و تجزیه واریانس بررسی انجام گرفت. نتیجه این پژوهش نشان داد که جهانی شدن تجارت موجب بزرگ شدن اندازه دولت در ایران شده است. همچنین جهانی شدن از میان دیگر متغیرهای توضیحی بیشترین اثر را بر اندازه دولت دارد.

زایر و شفیع (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر بحران مالی جهانی بر درآمدهای مالیاتی کشور پرداختند. آنها اشاره می کنند که آثار بحران مالی جهانی بر برخی متغیرهای کلان اقتصاد ایران مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور، روند تغییرات تولید ناخالص داخلی، درآمدهای نفتی، مخارج دولت، تجارت خارجی و بازار سرمایه با استفاده از روش خودتوضیح برداری (VAR) و تکنیک تجزیه واریانس مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان داد که با توجه به روند نزولی شاخص ها طی سال ۱۳۸۷ آثار بحران در سال ۱۳۸۸ با شدت بیشتری در اقتصاد ایران نمایان خواهد شد.

امین رشتی و همکاران (۱۳۹۰) به برآورد ظرفیت و مقایسه تلاش مالیاتی کشورها پرداخته اند. برای این منظور از اطلاعات گروهی کشورهای با درآمد متوسط در دوره زمانی (۲۰۰۹-۱۹۹۵) استفاده نمودند. این پژوهش نشان داد که سهم ارزش افزوده بخش های صنعت و بخش خارجی با نسبت مالیاتی رابطه مثبت و معنی دار و سهم

مطالعه تاثیر جهانی شدن بر ظرفیت و تلاش مالیاتی..... ۱۶۷

ارزش افزوده بخش کشاورزی منفی بوده و نرخ تورم نیز بر روی نسبت مالیاتی معنی دار نشده است. شاخص تلاش مالیاتی نشان می دهد که تلاش مالیاتی در ایران کمترین میزان در بین کشورهای مورد مطالعه بوده است .

ربیعی و اسماعیل نیا (۱۳۹۲) به بررسی برآورد ظرفیت و تلاش مالیاتی و ارتباط آن با درآمد نفتی در اقتصاد ایران و چند کشور منتخب عضو اوپک پرداختند. برای این منظور از داده‌های تابلویی دوره‌ی ۲۰۰۸-۱۹۹۰ استفاده شده است. متغیرهای تأثیرگذار بر ظرفیت مالیاتی شامل درآمد سرانه، بازبودن اقتصاد، نسبت درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی و ظرفیت مالیاتی با یک بار وقفه در نظر گرفته شد. نتایج نشان که درجه باز بودن اقتصاد در کشورهای نفتی ارتباط منفی و معناداری با ظرفیت مالیاتی دارد.

۲-۲-۲. مطالعات انجام شده در خارج

دریهر^۱ (۲۰۰۶) تأثیر جهانی شدن بر هزینه کل و اجتماعی و نرخ های مالیات بر نیروی کار، مصرف و سرمایه را با استفاده از رگرسیون داده های تابلویی، در کشورهای OECD (۱۹۷۰-۲۰۰۰) مورد بررسی قرار داد. نتایج مطالعه مذکور نشان داد که فقط نرخ های مالیات بر سرمایه تحت تأثیر جهانی شدن قرار گرفته اند. همچنین این پژوهش نشان داد که هیچ یک از ابعاد مختلف جهانی شدن (اقتصادی، سیاسی و اجتماعی) اثر معنی داری بر هزینه های کل و اجتماعی دولت ندارند.

بانسگارد و کین^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه ای با استفاده از داده های تابلویی نامتوازن ۱۱۷ کشور طی دوره ۱۹۷۵-۲۰۰۶، سعی در پاسخگویی به این سؤال را داشتند که همگام با جهانی شدن، آیا کشورها توانسته اند کاهش درآمد مالیات بر تجارت را از طریق افزایش در درآمد مالیاتی داخلی جبران کنند؟ بر اساس نتایج آنها، پاسخ این سؤال برای کشورهای با درآمد بالا مثبت است و برای کشورهای با درآمد متوسط، شواهد قوی از

^۱. Dreher

^۲. Baunsgaard & Keen

این جانشینی در بلند مدت وجود دارد. در کشورهای با درآمد پایین این جانشینی ضعیف بوده است.

فنجیتو و پسینو^۱ (۲۰۱۳) به بررسی درک تلاش مالیاتی کشورها با استفاده از عواملی همچون درجه توسعه یافتگی (تولید ناخالص داخلی سرانه)، نرخ با سواد، تورم، توزیع درآمد (ضریب جینی)، فساد اداری و میزان سادگی جمع آوری مالیات، به برآورد ظرفیت مالیاتی ۱۱۳ کشور جهان (۱۹۹۱-۲۰۱۲) پرداختند. این پژوهش نشان داد که برخی از کشورها به ظرفیت خود نزدیک و برخی دیگر دور هستند.

ایمارا و همکاران^۲ (۲۰۱۳) تاثیر آزادی تجارت بر درآمد های مالیاتی را در کشور غنا بررسی نمودند. برای این منظور از داده های سالهای (۱۹۸۰-۲۰۱۰) و روش خود رگرسیون با وقفه های توزیعی (ARDL) استفاده کردند. نتایج پژوهش بیانگر این موضوع بود که آزادی تاثیر مثبت و معنی داری بر درآمدهای مالیاتی دارد و کشورهای در حال توسعه باید به سیاست آزادی تجارت روی آورند تا درآمد های مالیاتی آنها افزایش یابد.

اونران و بوش^۳ (۲۰۱۵) تاثیر جهانی شدن بر توزیع مالیات ها و هزینه های اجتماعی آن ها را در کشورهای اروپایی بررسی نمودند. نتایج این مطالعه نشان داد که در کشورهای شرق اروپا جهانی شدن منجر به کاهش در هزینه های اجتماعی شده در حالی که در کشورهای غرب اروپا و اروپای مرکزی جهانی شدن منجر به افزایش در هزینه های اجتماعی شده است.

۳. روش تحقیق

در این مطالعه روش جمع آوری داده ها به صورت کتابخانه ای و برای سال های ۱۹۹۸-۲۰۱۴ بوده است، که اطلاعات از وب سایت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و نیز موسسه اقتصادی KOF گردآوری شده است. کشورهای مورد نظر در این پژوهش،

^۱ Fenochietto and Pessino

^۲ Imara and et al

^۳ Onaran and Boesch

کشورهای در حال توسعه که شامل ۳۵ کشور در حال توسعه دارای درآمد متوسط به بالا (از جمله ایران) می باشند، و با استفاده از روش رگرسیون حد آستانه ای، تاثیر جهانی شدن بر ظرفیت مالیاتی مورد بررسی قرار می گیرد. روش رگرسیون آستانه‌ای ارائه شده توسط هانسن^۱ (۱۹۹۹)، به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا توابع رگرسیونی به طور یکنواخت از همگی مشاهدات عبور می کند یا می تواند به گروه‌های مجزا شکسته شوند؟

تجزیه و تحلیل سنتی روابط غیرخطی معمولاً بر اساس رهیافت تقسیم نمونه به دو گروه به صورت برونزا است که بر پایه‌ی داوری و ترجیحات فردی استوار است. در صورت استفاده از این روش، انتخاب تعداد رژیم‌ها و محل آن اختیاری و بر اساس راهنمایی‌های نظریات اقتصادی قبلی است. لذا در این صورت، صحت نتایج و پارامترهای تخمین زده شده سؤال برانگیز است، زیرا به طور وسیعی به انتخاب نقطه‌ای که آستانه در آنجا رخ می دهد، وابسته است.

روش دیگری که در تجزیه و تحلیل های آستانه‌ای مورد استفاده قرار می گیرد، روش رگرسیونی پی در پی یا درخت رگرسیونی است که شمار و محل آستانه‌ها را به طور کاملاً درونزا و با بهره‌گیری از مرتب‌سازی داده‌های موجود تعیین می کند (لی و ونگ، ۲۰۰۵). این مبحث به طور جدی توسط هانسن^۱ (۲۰۰۰) با ارائه‌ی یک تکنیک جدید در اقتصاد سنجی توسعه داده شده است. از مزایای دیگر این روش این است که تصوّرات ذهنی در شکل‌گیری نوع رابطه غیرخطی دخالتی نداشته و نیاز به هیچ‌گونه فرم تابعی معین غیرخطی در بررسی روابط غیرخطی ندارد. اگر داده‌های تابلویی متوازن به صورت $\{Y_{it}, Q_{it}, X_{it} : 1 \leq i < n, 1 \leq t < T\}$ باشند که اندیس i نشان دهنده مقاطع و اندیس t نمایانگر زمان است. متغیر وابسته Y_{it} و متغیر آستانه ای Q_{it} اسکالر

1. Hansen
2. Lee and Wong

هستند در صورتی که رگرسور x_{it} یک بردار است. فرم ساختاری این مدل به صورت زیر می باشد:

$$y_{it} = (1, x'_{it})\phi_1 1(q_{it} \leq \gamma) + (1, x'_{it})\phi_2 1(q_{it} > \gamma) + \varepsilon_{it}, i \\ = 1, \dots, n, t = 1, \dots, T \quad (1)$$

بطوریکه y_{it} یک متغیر اسکالر تصادفی می باشد، x_{it} یک بردار $k_1 \times 1$ از رگرسورهای متغیر در طول زمان می باشد که می تواند شامل وقفه متغیر وابسته نیز باشد، q_{it} متغیر گذار است و γ پارامتر آستانه ای می باشد، ϕ_1 و ϕ_2 پارامترهای تغییر شیب در رژیم های مختلف می باشد. ε_{it} جملات اخلاص رگرسیون می باشد که شامل اجزا زیر می باشد:

$$\varepsilon_{it} = \alpha_i + v_{it} \quad (2)$$

بطوریکه α_i اثرات ثابت فردی غیرقابل مشاهده بوده و v_{it} جملات اخلاص تصادفی با میانگین صفر می باشد. مشاهدات بر اساس اینکه متغیر آستانه q_{it} کمتر یا بیشتر از γ آستانه ای می باشد، به دو رژیم تقسیم می شوند. این رژیم ها توسط تفاوت شیب های رگرسیون β_1 و β_2 مشخص می شوند. شناسایی β_1 و β_2 مستلزم آن است که عناصر x_{it} در طول زمان تغییرناپذیر نباشند. همچنین فرض شده است که متغیر آستانه ای q_{it} نیز در طول زمان تغییرناپذیر نیست. در مورد جمله ی خطای ε_{it} ، فرض شده است که غیروابسته و به طور یکسان توزیع شده است و دارای میانگین صفر و واریانس محدود σ^2 می باشد.

با توجه به اینکه شاخص جهانی شدن می تواند در نرخ های فزآینده تاثیر متفاوتی بر ظرفیت و تلاش مالیاتی در کشورها داشته باشد از روش رگرسیون غیرخطی آستانه ای استفاده می شود. برای بدست آوردن ضرایب کارا و سازگار در مدل سعی می شود تا ابتدا در تصریح مدل علاوه بر در نظر گرفتن شاخص جهانی شدن، تاثیر سایر عوامل و

مطالعه تاثیر جهانی شدن بر ظرفیت و تلاش مالیاتی..... ۱۷۱

متغیرهای کنترلی مدل مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور تاثیر شاخص جهانی شدن به همراه سایر متغیرهای کنترلی مدل از قبیل لگاریتم کیفیت نهادی (INSTQ)، شاخص شهری سازی (URBAN)، ثبات سیاسی (POLD)، درآمد سرانه (LPI)، و نسبت جمعیت شهری (URBPO) مورد بررسی قرار می گیرد. بر اساس فرضیه تحقیق، انتظار بر این است که رابطه بین شاخص جهانی شدن و ظرفیت و تلاش مالیاتی کشورها مثبت و غیرخطی و آستانه ای ارزیابی شود.

INSTQ : کیفیت نهادی

شاخص کیفیت نهادی در این مطالعه شامل میانگین شاخص های: شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، شاخص اثربخشی دولت، شاخص ثبات سیاسی، شاخص کیفیت قوانین و مقررات، شاخص حاکمیت قانون و شاخص کنترل فساد می باشد. پس یکی از شاخص های مهم حکمرانی خوب، اثربخشی دولت است. این شاخص، کیفیت خدمات عمومی دولت را اندازه گیری نموده و کیفیت وضع و اجرای قوانین و اعتبار و تعهدات دولت را ارزیابی می نماید. با افزایش اثربخشی و کارایی دولت، به دلیل مشارکت بیشتر عموم در تأمین هزینه ها، دولت از منابع درآمدی بیشتری بهره مند خواهد شد. انتظار بر این است که رابطه بین شاخص کیفیت نهادی و ظرفیت مالیاتی مثبت ارزیابی شود.

URBAN : شاخص شهری سازی

شاخص شهری سازی در این مطالعه بر اساس هزینه های عمرانی صرف شده بابت گسترش شهرها و زیرساخت ها در نظر گرفته شده است. مطابق انتظارات تئوریک گسترش شهرسازی منجر به پیشرفت فناوری اطلاعات در سیستم مالیاتی و توسعه وصول مالیات می شود، بنابراین رابطه آن ها مثبت پیش بینی می شود.

PI : درآمد سرانه

هرچه درآمد سرانه بیشتر باشد و عادلانه تر توزیع شود باعث می شود که افراد جامعه مالیات ها را راحت تر بپذیرند و باعث افزایش درآمد مالیاتی و بهبود عملکرد نظام

مالیاتی شوند. انتظار بر این است که با توسعه و پیشرفت جوامع و افزایش درآمد سرانه ظرفیت و تلاش مالیاتی افزایش یابد.

POLD : ثبات سیاسی

بی ثباتی سیاسی بیانگر مفهوم هایی مانند ناآرامی های اجتماعی، ترور و اعدام های سیاسی، کودتا، آشوب ها، تنش های قومی و انتقال قدرت در سطوح بالا است. لذا بی ثباتی سیاسی با خود کاهش فعالیت های اقتصادی و افزایش فرار مالیاتی را در پی دارد. انتظار بر این است که رابطه بین ثبات سیاسی و ظرفیت مالیاتی مثبت باشد.

URBPO : نسبت جمعیت شهری

با افزایش جمعیت شهری به کل جمعیت، خدمات دولتی در شهر افزایش می یابد. در کشورهای در حال توسعه، افزایش شهرنشینی می تواند به دلایل متفاوت از جمله ثبت معاملات و کاهش غیر رسمی بودن آن موجب گسترش بخش رسمی اقتصاد شده و فرار مالیاتی را نیز کاهش دهد و ظرفیت و تلاش مالیاتی افزایش یابد.

در این مدل، با توجه به فرضیات ارائه شده متغیرهای مستقل (X_{it}) مدل برای کشورها در رژیم های مختلف از نظر شاخص جهانی شدن (KOF)، تأثیر متفاوتی بر ظرفیت مالیاتی (TGDP) خواهد داشت. پس در مجموع، تفاوت شاخص جهانی شدن در رژیم های مختلف باعث می شود که اثر متغیرهای مستقل بر ظرفیت و تلاش مالیاتی تفاوت داشته باشد. با توجه به توضیحات فوق، مدل کلی به صورت زیر خواهد بود که روش برآورد آن به صورت پنل حد آستانه ای می باشد:

(۴)

$$TGDP_{it} = \mu_i + \beta_1' KOF_{it} + \beta_2' X_{it} I(KOF_{it} \leq \gamma) + \beta_3' X_{it} I(KOF_{it} > \gamma) + \varepsilon_{it}$$

در رابطه ی بالا، μ_i عرض از مبدا و $I(0)$ تابع شاخص می باشد. X_{it} بردار متغیرهای مستقل مدل می باشد. همانطویکه در رابطه مشخص شده است، مشاهدات بر اساس اینکه بالاتر یا پایین تر از پارامتر آستانه ای بهینه (γ) هستند، تقسیم بندی می شوند و β_2

و β_3 شیب‌های رگرسیون در هر رژیم هستند. فرض می‌شود که ε_{it} ، مستقل است و به صورت نرمال با میانگین صفر و واریانس متناهی، توزیع شده است. روش دیگری نیز برای نمایش معادله فوق وجود دارد، این نمایش به صورت زیر است:

$$TGDP_{it} = \begin{cases} \mu_i + \beta_1' KOF_{it} + \beta_2' X_{it} + e_{it}, & KOF_{it} \leq \gamma \\ \mu_i + \beta_1' KOF_{it} + \beta_3' X_{it} + e_{it}, & KOF_{it} > \gamma \end{cases} \quad (5)$$

اگر X_{it} را به صورت زیر تعریف کنیم:

$$X_{it} = \begin{cases} X_{it} I(KOF_{it} \leq \gamma) \\ X_{it} I(KOF_{it} > \gamma) \end{cases} \quad (6)$$

۴. نتایج تحقیق

برای جلوگیری از انجام رگرسیون‌های کاذب در تحقیق ابتدا مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفته که برای این منظور از آزمون ایم، شین و پسران (IPS) استفاده شده است. با استفاده از آزمون‌های صورت گرفته این موضوع که آیا سری‌های زمانی مورد استفاده فرایندی مانا (با مرتبه انباشتگی صفر) و یا واگرا (با مرتبه انباشتگی غیر صفر) دارند، بررسی شده است. برای این منظور آزمون ریشه واحد بر روی متغیرهای نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی (TGDP)، شاخص جهانی شدن (KOF)، لگاریتم درآمد سرانه (LPI)، کیفیت نهادی (INSTQ)، شاخص شهری سازی (URBAN)، ثبات سیاسی (POLD) و نسبت جمعیت شهری (URBPO) مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر می‌باشد که تمامی متغیرهای این مطالعه به صورت حقیقی و بر مبنای سال ۲۰۱۰ می‌باشند. همچنین چون متغیرها به صورت لگاریتمی و نسبت می‌باشند مقیاس زدایی شده است و واحد اندازه گیری آنها یکسان شده است.

آزمون ریشه واحد در حالت وجود عرض از مبداء و روند انجام شده است. نتایج جدول (۱) نشان دهنده این می‌باشد که متغیرهای لگاریتم درآمد سرانه، کیفیت نهادی، شاخص شهری سازی و ثبات سیاسی دارای سطح معنی داری بالاتر از ۰,۰۵ می‌باشند.

بر این اساس فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد برای این متغیرها رد نشده و این متغیرها در سطح نامانا بوده و انباشته از مرتبه اول می باشند. این در حالی است که برای متغیرهای نسبت مالیات به GDP، نسبت جمعیت شهری و شاخص جهانی شدن به مقدار Prob گزارش شده کمتر از ۰,۰۵ می باشد در سطح اطمینان ۹۵ درصد بوده و فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد برای این متغیرها رد شده و این متغیرها در سطح مانا می باشند.

جدول (۱): آزمون ریشه واحد متغیرهای تحقیق

آزمون ایم، پسران و شین (IPS)		متغیرها
Prob	آماره آزمون	
۰,۹۸۳	-۰,۸۷۹	لگاریتم درآمد سرانه
۰,۰۰۰	-۳,۱۲۰	نسبت مالیات به GDP
۰,۳۸۵	-۱,۴۳۴	کیفیت نهادی
۰,۴۲۳	-۰,۸۹۵	شاخص شهری سازی
۰,۲۱۹	-۱,۱۲۱	ثبات سیاسی
۰,۰۰۰	-۳,۲۴۸	نسبت جمعیت شهری
۰,۰۰۰	-۲,۳۹۴	شاخص جهانی شدن

منبع: نتایج حاصل از تحقیق

در خصوص نامایی برخی متغیرها، و نحوه استفاده از آن ها در مرحله تخمین مدل توضیح اینکه با استفاده از آزمون هم انباشتگی رابطه بلندمدت بین متغیرها بررسی شد

و پس از تأیید وجود داشتن رابطه بین متغیرها می توان بر اساس روش انگل از سطح متغیرها نامانا استفاده کرد.

آنچه در روابط متغیرهای مدل مهم است، تخمین مقدار Y می باشد که بتوان بر اساس آن، داده ها را در دو گروه مجزا از نظر شاخص جهانی شدن تقسیم بندی نمود. برای تخمین مقدار Y ، برنامه ی مورد نظر را در نرم افزار Eviews طراحی نموده و به ازای هر یک از مقادیر در نظر گرفته شده برای Y ، یک رگرسیون تخمین زده می شود. برای هر یک از این رگرسیون های تخمین زده شده، مجموع مجذورات باقیمانده ها به صورت زیر محاسبه می شود:

(۷)

$$S_1(\gamma) = \hat{e}^*(\gamma)' \hat{e}^*(\gamma)$$

تابع مجموع مربعات خطا $S_1(\gamma)$ ، از طریق توابع شاخص $I(KOF_{it} \leq \gamma)$ به γ بستگی دارد. مقدار بهینه ی Y ، مقداری است که شرط زیر را برقرار سازد:

(۸)

$$\hat{Y} = \arg_{\gamma} \min S_1(\gamma)$$

پس از اجرای برنامه، مجموع مجذور باقیمانده ها محاسبه می شود، مجموع مجذورات باقیمانده ها هنگامی که مقدار \hat{Y} ، ۴,۴۵٪ بدست آمده، حداقل مقدار ممکن را به خود اختصاص داده است. چان^۱ (۱۹۹۳)، نشان می دهد که در صورت نامعلوم بودن پارامتر آستانه ای، می توان با حداکثر کردن ضریب تعیین (R^2) یا حداقل کردن مجموع مجذورات باقیمانده ها (SSR)، تخمین های سازگار از پارامتر آستانه ای بدست آورد. پس معادله ی اصلی مدل برای کشورهای در حال توسعه به صورت زیر خواهد بود:

¹Chan

(۹)

$$TGDP_{it} = \mu_i + \beta'_1 KOF_{it} + \beta'_2 X_{it} I(KOF_{it} \leq 4.45) + \beta'_3 X_{it} I(KOF_{it} > 4.45) + \varepsilon_{it}$$

رابطه ی بالا نمایانگر آن است که مقدار ۴،۴۵٪، مقداری است که نمونه را به دو رژیم کشورهای با شاخص جهانی شدن بالا و کشورهای دارای شاخص جهانی شدن پایین تقسیم خواهد کرد. کشورهای دارای شاخص جهانی شدن بالا، کشورهایی هستند که رشد شاخص جهانی شدن بیش از ۴،۴۵٪ را تجربه کرده باشند و در مقابل کشورهای دارای رشد شاخص جهانی شدن پایین کشورهایی هستند که دارای رشد شاخص جهانی شدن کمتر از ۴،۴۵٪ بوده اند.

پس از آنکه ارزش آستانه ای \hat{Y} ، تخمین زده شد؛ آنچه بسیار مهم است استنباط معنادار بودن آن می باشد. در این مرحله باید آزمون نمود که آیا ضرایب β'_2 و β'_3 تفاوت معناداری با یکدیگر دارند؟ آماره ی مورد استفاده در این زمینه، آماره ی F می باشد که بصورت زیر برای مدل بکار گرفته شده در این پژوهش بدست می آید. تحت فرضیه ی صفر و عدم وجود آستانه، رابطه ی زیر برقرار است:

(۱۰)

$$TGDP_{it} = \mu_i + \beta_1 KOF_{it} + \beta_2 X_{it} + \varepsilon_{it}$$

پس از انجام میانگین گیری و کسر کردن روابط، خواهیم داشت:

(۱۱)

$$TGDP^*_{it} = \mu_i + \beta_1 KOF^*_{it} + \beta_2 X^*_{it} + \varepsilon^*_{it}$$

با تخمین رابطه ی بالا به روش حداقل مربعات معمولی^۱ (OLS)، پارامتر رگرسیونی β_2

به صورت $\hat{\beta}_2$ ، باقیمانده ها $\hat{\varepsilon}^*_{it}$ و مربعات خطا $S_0 = \hat{\varepsilon}^*{}' \hat{\varepsilon}^*$ بدست می آیند.

در حالت وجود آستانه واریانس از رابطه ی زیر محاسبه می شود:

^۱ Ordinary Least Square Method

(۱۲)

$$\hat{\sigma}^2 = \frac{1}{n(T-1)} \hat{\varepsilon}^*{}' \hat{\varepsilon}^* = \frac{1}{n(T-1)} S_1(\hat{Y})$$

و در نهایت آزمون نسبت درست نمایی برای فرضیه H_0 ، به صورت زیر است:

(۱۳)

$$F_1 = \frac{S_0 - S_2(\gamma)}{\hat{\sigma}^2}$$

مجموع مربعات خطا در دو حالت با وجود آستانه و بدون وجود آستانه می‌باشد، که به ترتیب برابراند با ۰,۵۳۴۲ و ۰,۵۸۶۷. با جایگذاری این اعداد در رابطه‌ی فوق، مقدار F برابر با ۵,۲۳ است. برای مقایسه مقدار بدست آمده با مقادیر بحرانی، از آنجایی که توزیع F_1 غیراستاندارد است، هانسن (۱۹۹۶) روش خودراه‌انداز^۱ را پیشنهاد نموده است. نتایج حاصل از روش خودراه‌انداز در جدول زیر آورده شده است:

جدول (۲): مقادیر بحرانی و سطح خطای حاصل از روش خودراه‌انداز

مقادیر بحرانی			
۱۰%	۵%	۱%	اندازه‌ی نمونه
۵,۲۴	۸,۳۷	۱۲,۱۹	۱۰۰۰
۰,۰۰۰	سطح معنی داری	۱۴,۱۲	آماره F

منبع: نتایج حاصل از تحقیق

مطابق با مقدار F بدست آمده و نیز مقدار سطح خطای متناظر با آن می‌توان استنباط کرد با اطمینان ۹۵٪ فرضیه H_0 رد می‌شود و در نتیجه مقدار آستانه معنادار می‌باشد.

^۱ Bootstrap

به طور کلی در این پژوهش از اثرات آستانه‌ای در داده‌های تابلویی استفاده نموده و مقدار آستانه ۴,۴۵٪ برآورد گردید و بر اساس آن اثر رشد شاخص جهانی شدن بر ظرفیت و تلاش مالیاتی از کانال متغیرهای مستقل اثر دوگانه‌ای خواهد داشت. به منظور رفع مشکلات ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی از رگرسیون وزنی به صورت رگرسیون به ظاهر نامرتبط مقطعی^۱ استفاده شده است. نتایج بدست آمده از تخمین مدل در جدول زیر آمده است:

جدول (۳): برآورد مدل تجربی تحقیق در کشورهای در حال توسعه (متغیر وابسته ظرفیت مالیاتی)

نام متغیر	ضرایب (سطح معنی داری)
INSTQ*(KOF ≤ 4.45)	۰,۱۲۱ (۰,۰۰)
INSTQ*(KOF > 4.45)	۰,۱۶۵ (۰,۰۲)
URBAN*(KOF ≤ 4.45)	۰,۰۹۷ (۰,۰۳)
URBAN*(KOF > 4.45)	۰,۱۴۳ (۰,۰۰)
POLD*(KOF ≤ 4.45)	۰,۰۶۸ (۰,۰۰)
POLD*(KOF > 4.45)	۰,۱۳۸ (۰,۰۳)
URBPO*(KOF ≤ 4.45)	۰,۰۱۲ (۰,۰۴)
URBPO*(KOF > 4.45)	۰,۰۶۰ (۰,۰۱)

^۱ Cross-section SUR

۰,۰۲۷ (۰,۰۰)	LPI*(KOF ≤ 4.45)
۰,۰۵۷ (۰,۰۰)	LPI*(KOF > 4.45)
۰,۰۲۶ (۰,۰۰)	KOF
۱,۱۶ (۰,۰۳)	عرض از مبدا
۰,۶۲	ضریب تعیین:
۱۴,۳۲ (۰,۰۰)	آماره F (Prob)
۲,۰۳	آماره دوربین واتسون:

منبع: نتایج حاصل از تحقیق

در مدل برآورد شده مشاهده می شود که تمامی ضرایب بدست آمده در سطح خطای ۵ درصد اختلاف معنی داری از صفر دارند. بر اساس نتایج بدست آمده در کشورهای در حال توسعه اگر رشد شاخص جهانی شدن بیشتر از ۴,۴۵٪ باشد متغیرهای مستقل تاثیر بیشتر و متفاوت تری بر ظرفیت مالیاتی این کشورها دارند. بر اساس نتایج بدست آمده ضریب شاخص کیفیت نهادی معنی دار است و در کشورهایی که رشد شاخص جهانی شدن بالاتری دارند شاخص کیفیت نهادی تاثیر بیشتری بر ظرفیت مالیاتی کشورها داشته است. ضریب شاخص شهری سازی مثبت و معنی دار بدست آمده که مطابق انتظارات تئوریک آن است گسترش شهرسازی منجر به یسرفت فناوری اطلاعات در سیستم مالیاتی می شود، حداکثر ظرفیت مالیات کشورها را استحصال کند. ضریب متغیر ثبات سیاسی مثبت و معنی دار می باشد که بیانگر این موضوع می باشد که در کشورهای دارای رشد شاخص جهانی شدن بالاتر نسبت به کشورهای دارای رشد جهانی شدن کمتر با افزایش در ثبات سیاسی کشورها منجر به افزایش در کسب درآمدهای

مالیاتی و ظرفیت مالیاتی کشورها می شود. ضریب شاخص جهانی شدن بر اساس مبانی نظری خود مثبت بدست آمده که نشان دهنده آن است که با کاهش فرار مالیاتی، اقتصاد زیرزمینی، و حجم کم قاچاق کالاها و خدمات، میزان درآمدهای مالیاتی برای کشورها افزایش می یابد. در نهایت ضریب نسبت شهر نشینی که متغیری برای نشان دادن فرهنگ مالیاتی است مطابق مبانی نظری مثبت و معنی دار است که بیان می دارد در کشورهای دارای رشد شاخص جهانی شدن بالاتر، رشد فرهنگ مالیاتی منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی می شود. ضریب درآمد سرانه همانند مبانی نظری نشان می دهد که با توسعه و پیشرفت جوامع به میزان یک درصد، درآمدهای مالیاتی افزایش می یابد.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادات

هدف این مقاله بررسی تاثیر جهانی شدن بر ظرفیت و تلاش مالیاتی در کشورهای در حال توسعه در دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۱۴ بر اساس روش داده های تابلویی حد آستانه ای بوده است. بطور کلی فرآیند جهانی شدن شامل کاهش در محدودیت های مقداری، کاهش و یکسان سازی نرخ های تعرفه، توسعه صادرات و افزایش نرخ ارز همراه با اصلاح نظام مالیاتی داخلی است. فرآیند جهانی شدن یک عنصر مهم مالی یعنی قیمت را تحت تأثیر قرار می دهد و این تغییر بر تصمیمات تولید و مصرف تأثیر می گذارد. از طرف دیگر همانطور که گفته شد، در بین انواع درآمدهای دولت، مالیات قابل قبول ترین و مناسب ترین از نظر اقتصادی است. همچنین مالیات به عنوان ابزاری کارآمد جهت اجرای سیاست های اقتصادی، اعم از توزیعی و مالی و حتی هدایت اقتصاد در مسیر اهداف کلان اقتصادی مانند تثبیت اقتصادی، ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی به شمار می آید. از این رو از نظر اقتصاددانان وجود یک نظام مالیاتی کارآمد برای تداوم فعالیت های دولت، از ضروریات است. نتایج بدست آمده از این مطالعه بیانگر این موضوع است، که بهبود در شاخص های کیفیت نهادی، افزایش در ثبات سیاسی

کشورها، گسترش شهر نشینی در کشورهایی که دارای رشد شاخص جهانی شدن بالاتری از ۴,۴۵٪ می باشند تاثیر بیشتری بر ظرفیت مالیاتی آن کشورها دارد. اگر چه تصور می شود که جهانی شدن از طریق اثرگذاری بر مالیات بر تجارت با درآمد مالیاتی در ارتباط است، اما یک رابطه دقیق به عوامل دیگری مانند محیط اقتصادی، نوع جهانی شدن، واکنش صادرات و واردات نسبت به جهانی شدن، ساختار سیستم مالیاتی و امکانات اجرایی بستگی دارد. علاوه بر این، کشورها به روش های مختلفی مالیات ها را جمع آوری می کنند، بنابراین نمی توان بدون بررسی ساختار اجزای متفاوت درآمد مالیاتی و میزان اهمیت هر یک، به بررسی تأثیرات جهانی شدن و محیط اقتصادی بر درآمد مالیاتی پرداخت. از طرف دیگر، اجزای درآمد مالیاتی در ارتباط با یکدیگر هستند و تغییر در یکی توسط سایر اجزا تضعیف یا تقویت می گردد. سیستم مالیاتی شامل پهنه وسیعی از مالیات ها است که به سه گروه عمده مالیات بردرآمد و سود، مالیات بر کالا و خدمات و مالیات بر تجارت تقسیم می شود.

در مورد دستاورد سیاستی این مقاله برای اقتصاد ایران می توان گفت که با توجه به اثرات جهانی شدن بر ظرفیت مالیاتی می توان سیاست های آزادسازی اقتصادی را در راستای توسعه اقتصادی کشور و توسعه ظرفیت مالیاتی بکار برد.

منابع:

- Agbeyegbe, T.D., Stotsky, J. & WoldeMariam, A. (2006). "Trade Liberalization, Exchange Rate Changes, and Tax Revenue in SubSaharan Africa". *Journal of Asian Economics*, Vol.17 (2): 261-284.
- Amin Rashti, N. Fahimifar, F. & Siami Iraq, I. (1390). measuring tax effort of middle-income countries, *Journal of Iranian National Tax Administrations*, Vol. 22: 07-31.
- Baunsgaard, T., & Keen, M., (2010). "Tax Revenue and (or?) Trade Liberalization". *Journal of Public Economics*, Vol. 94 (9-10): 563-577.

- Dadgar, Y. and Comments, R. (1387). The effect of trade globalization on government size in Iran. *Journal of Business Research*, Vol. 48: 1-38.
- Dreher, A. (2006). "Does Globalization Affect Growth? Empirical Evidence from a New Index". *Applied Economics* 38(10), 1091-1110.
- Dreher, A., Jan-Egbert, S. and Heinrich, W.U. (2006). "The Impact of Globalization on the Composition of Government Expenditures: Evidence from Panel Data", CESifo Working Paper, No. 1755.
- Ehsanfar, M.H. "estimate tax capacity Mazandaran", Master's Thesis, University of Mazandaran, 1380.
- Fenochietto, Ricardo and Pessino, Carola, Understanding Countries' Tax Effort (December 2013). IMF Working Paper No. 13/244.
- Hansen, Bruce E (1999). Threshold effects in non-dynamic panels: Estimation, testing, and inference, *Journal of Econometrics*, Elsevier, vol. 93(2):345-368.
- Hansen, Bruce E (2000). Sample Splitting and Threshold Estimation, *Econometrica*, Econometric Society, vol. 68(3), pp 575-604.
- Imara, S. F., Schoeman, N. J., and Tonder, J. J. (2013). Openness and the structure of taxes in South Africa: 1960-2002. *South African Journal of Economics*, Vol. 73: 190-210.
- Khattry, B. & Rao, J.M., (2002). "Fiscal Faux Pas?: an Analysis of the Revenue Implication of Trade Liberalization", *World Development*, 30(8), 1431-1444.
- Komijani, A. and Fahim Yahyaei, F. (1373). "Analysis of the composition of taxes and tax capacity of Iran", *Journal of Economics and Management*, Vol. 9: 27.
- Lee, C. and Wong, S. Y (2005), Inflationary threshold effects in the relationship between financial development and economic growth: evidence from Taiwan and Japan. *Journal of Economic Development*, Vol. 49:30

- Mehrabi Boshrabadi, H. and Tohidi, A. (1392). the impact of globalization on tax revenue of the developing countries with the approach of panel data, *Journal of Monetary Economics - Finance*, Vol. 20: 164-186.
- Naderan, E.(1367). "tax capacity and the existing problems," MA thesis, Tehran University, Faculty of Economics.
- Onaran, Ö and Boesch, V (2015), The effect of globalization on the distribution of taxes and social expenditures in Europe: Do welfare state regimes matter?, *Environment and Planning A*, 46 (2), pp. 373-397.
- Rabii, M. and Ishmael Nia, F. (1392). estimated the oil revenue capacity and tax effort and its relationship with Iran and some selected countries in OPEC, *Journal of Financial Economics and Development*, Vol. 7: 49- 69.
- Zayer, A. and Shafiee, S. (1388). The effect of the global financial crisis on tax revenues of the country. *Journal of Iranian National Tax Administrations*, Vol. 17: 133.